

# اثرات بودجه ۱۳۷۶ بر اقتصاد ملی

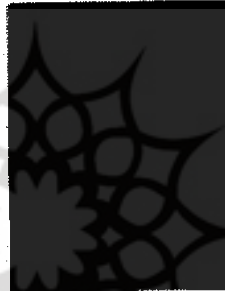
نوشته دکتر منوچهر کیانی

روز یکشنبه چهارم آذر ماه سال جاری آقای رئیس جمهور لایحه بودجه سال آینده را تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. اسامال نیز همچون سالهای قبل، ایشان به دفاع از لایحه بودجه پرداخته و ضمن گلچین کردن موضوعاتی از اقتصاد ملی، سعی کرد نشان دهد مشکلات اقتصادی در حال حل شدن است، از محرومیت مناطق محروم کاسته می‌شود، قیمتها در حال مهار شدن هستند، عملکرد بخش مستکن رضایت‌بخش بوده و تعداد واحدهای مسکونی احداث شده در مناطق شهری از ۱۱۵ هزار واحد در سال ۱۳۶۸ به ۲۳۰ هزار واحد در سال ۱۳۷۵ خواهد رسید و این رقم در سال آینده بالغ بر ۲۵۰ هزار واحد خواهد شد، شاخصهای بخش صنعت و معدن از رشد چشمگیری برخوردار بود، از آغاز برنامه پنجساله اول تاکنون ۳۷ هزار کیلومتر به طول راههای روستائی کشور افزوده شده، بهزیستی و تأمین اجتماعی در حال گسترش است، پست و مخابرات بطور معجزه آسا رشد می‌کند و تعداد تلفنهای ۱/۸ میلیون شماره در سال ۱۳۶۸ به حدود ۶ میلیون واحد در سال ۱۳۷۵ رسیده، صادرات غیر نفتی که به علت اجرای سیاست تثبیت اقتصادی مدتی دچار توقف شده بود دوباره جریان یافته و در حال شتاب گرفتن است، دیون خارجی در حال بازپرداخت است و پرداخت یارانه برای گندم، شکر، برنج، روغن نباتی، چای، گوشت، پنیر، کود، سم و بذر ادامه دارد، خلاصه به زحمت می‌توان وضع بهتری را تصویر کرد.

البته آقای رئیس جمهور ما همچون وزرای دارائی دیگر کشورها که هر ساله هنگام تقدیم لایحه بودجه به پارلمان از وضع موجود اقتصادی تعریف و از لایحه بودجه دفاع می‌کنند و سعی دارند موفقیتهای اقتصادی را بزرگ نشان دهند و از کمبودها، کاستی‌ها و یا احياناً اشتباهات و سیاستهای بعضاً نادرست حرفی نزنند، هنگام دفاع از لایحه بودجه، آماري را ارائه کردند که حاکی از موفقیت هیاست اقتصادی کشور و تأیید برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی بود. الحق هم که انتظاری جز این را نباید از ایشان داشت.

اما این وظیفه ما اقتصاددانان، مفسرین اقتصادی و اساتید دانشگاه است که بر خلاف «مطبوعات رسمی»

کشور، مشکلات را بازگو کرده، مسائل را از زوایای دیگری تحلیل کنیم، سیاستها و استراتژیهای احياناً غلط را تمیز داده و راه حلهای مناسب ارائه دهیم. این نوشته سعی دارد چنین وظیفه‌ای را ایفا کند. حال قبل از بحث و تحلیل کلی، بررسی کنیم که آیا اصولی را که دولت مبنای تدوین لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ قرار داده، معقول، علمی، اقتصادی و قابل دفاع است؟ طبق اظهارات ریاست جمهوری این اصول عبارتند از:



دکتر منوچهر کیانی

کنون در برنامه‌های اقتصادی دولت به هیچ وجه رعایت چنین انضباطی نشده است و سیاستها و خط مشی‌ها از یکباره اجرا می‌شده و در خیلی از موارد عقب‌گرد از تصمیم‌های قبلی هم وجود داشته است. مصوبات و مقررات خلق‌الساعه وزارتخانه‌ها و یا سازمانهای دولتی و یا بانک مرکزی بهترین شاهد این ادعاست.

تضمینات متناقض و معارض وزارتخانه‌ها و عدم هماهنگی بین آنها دلالت بر فقدان انضباط و خودمختاریهای کوچک وزارتخانه‌ای دارد.

عدم انطباق لایحه بودجه سال آینده با ارقام مصوب بودجه در برنامه پنجساله دوم با اختلاف فوق‌العاده فاحشی بهترین گواه است که انضباط مالی نیز در این لایحه مراعات نشده و بنابراین نمی‌تواند مبنای توجیه این لایحه و یا دفاع از آن باشد.

## ۲- برقراری عدالت اجتماعی

مقوله عدالت اجتماعی فوق‌العاده گسترده، و دارای مشخصه‌های زیادی است که اهم آنها عبارت است از کاهش فاصله طبقاتی، گسترش بیمه‌های اجتماعی نظیر بیمه‌های درمانی- بیکاری و از کارافتادگی، پرداخت مستمری کافی که در شأن زندگی یک انسان باشد به معلولین، ضعفا و افرادی که بهر دلیل قادر نیستند در مسابقه پیررحمانه تنازع بقا در جامعه شرکت کنند و به قول معروف گلیم خود را از آب بیرون بکشند. همچنین عدالت اجتماعی ایجاب

- ۱- انضباط مالی و اقتصادی،
- ۲- برقراری عدالت اجتماعی و اجرای سیاستهای فمرزدائی،
- ۳- جهت‌گیری به سوی اقتصاد غیرمتمکی به نفت خام،
- ۴- پیگیری قطع وابستگی‌ها.

## ۱- در مورد انضباط مالی و اقتصادی

در هیچ جایی و کتابی این عبارت به مفهوم اقتصاد کلان تعریف علمی نشده است. شاید از این عبارت بتوان این معنا را مستفاد کرد که باید بر امور مالی دولت نظم و نسق حکم فرما باشد، برنامه‌های طراحی و تصویب شده دقیقاً اجرا گردد و هر روز سیاست جدیدی اعمال نشود که مغایر سیاست روز قبل باشد!

حال اگر از عبارت «انضباط مالی و اقتصادی» به چنین مفهومی برسیم، باید این واقعیت را بپذیریم که تا

وزیری  
رقعی  
بالتوتی  
دکتر تلفن  
تلفن مرکز بخش  
۹۳۵۲۹۲

می‌کند در جامعه فرصت‌های مساوی برای جوانان - چه از نظر تحصیل و چه از نظر یافتن شغل و زندگی شرافتمندانه - بوجود آید.

حال نگاه کنیم به وضعیت عدالت اجتماعی در کشورمان. هر چند کارشناسان سازمان برنامه با محاسبات پیچیده و ارقام محرمانه سعی دارند ثابت کنند که مثلاً سهم دو دهک پائین درآمدی از کل درآمد در جوامع شهری و روستایی در طول چند سال گذشته افزایش یافته است، اما به سختی می‌توان قبول کرد که با وجود سودهای کلان و باد آورده در بخش خدمات و معاملات بازرگانی و ثروتمند شدن عده قلیلی از یک طرف و فقیر شدن توده‌های مردم به علت تورم زیاد و غیر قابل تحمل در طول چند سال گذشته از طرف دیگر، فاصله طبقاتی کمتر شده باشد. این گرانی طاقت‌فرسا که با اجرای سیاست تعدیل اقتصادی از سال ۱۳۶۸ و افزایش سرسام‌آور نقدینگی (بخوان چاپ اسکناس) آغاز شد، طبقه متوسط جامعه را که داشت شکل می‌گرفت، فقیر و عامی مردم را فقیرتر کرده است. و متأسفانه تا تورم زیاد وجود دارد، این روند هم ادامه خواهد داشت.

نابودی طبقه متوسط در هر جامعه‌ای، حال چه آگاهانه و یا از روز ناآگاهی، صدمات جبران ناپذیری را به کشور وارد خواهد کرد. طبقه متوسط در هر جامعه‌ای حکم «ستون فقرات» آن جامعه را دارد و دولت و حکومت به ذات او قائم است.

از نظر ایجاد فرصت‌های مساوی برای جوانان و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای جوانان با استعداد و اجازه دادن به رشد و تکامل شخصیت آنان، با ایجاد مدارس غیرانتفاعی (بخوان انتفاعی) و دانشگاه‌های پرهزینه که دانشجویان خود باید آن را تأمین مالی کنند، وضع روز بروز بدتر می‌شود و امکانات تحصیلی و سپس یافتن مشاغل مناسب مداوماً محدودتر می‌گردد.

در جامعه‌ای که در حال فقیرتر شدن است و بسیاری از مردم در زیر خط فقر قرار دارند، تهیه لایحه فقرزدانی و تخصیص مبلغ ۲۲۰ میلیارد تومان برای این منظور بیشتر به یک «شوخی تلخ» شباهت دارد تا یک اقدام اساسی. دولت باید بجای چنین لوایحی بطور جدی تورم را مهار کرده و از فقیرتر شدن خانوارها جلو بگیرد.

### ۳- جهت‌گیری به سوی اقتصاد غیرنفتی

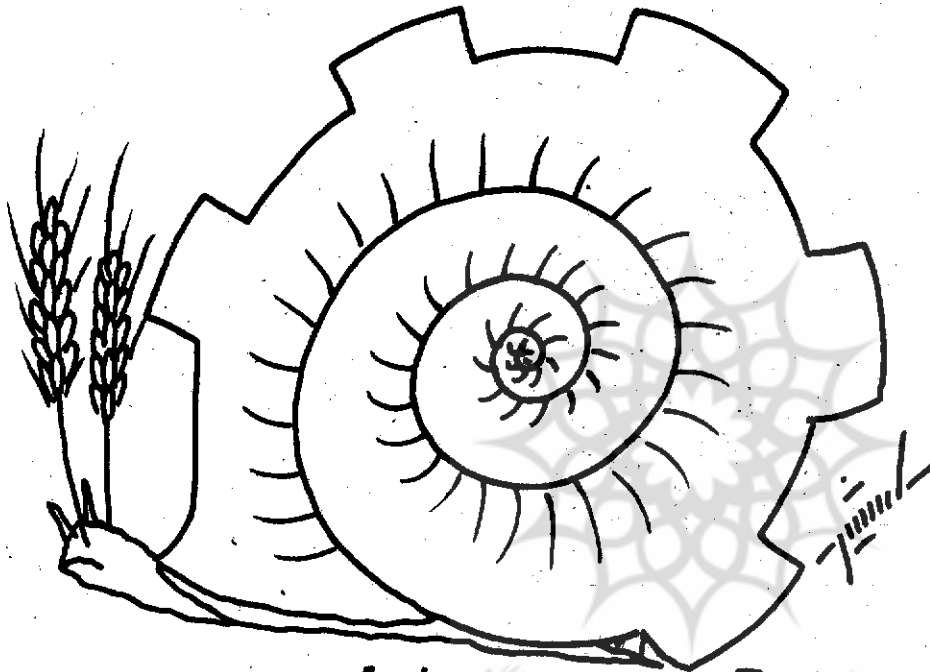
در بهترین حالت حدود ۲۰ درصد درآمد ارزی از محل صادرات غیرنفتی تأمین می‌شود. این نرخ بین ۱۲ تا ۲۰ درصد نوسان داشته و تازه تمام ارز حاصل هم به کشور بازگردانده نمی‌شود. بعلاوه، تهیه مواد اولیه، ماشین‌آلات، تولید و صادرات کالا خود احتیاج به ارز دارد که باید از منابع فروش نفت تأمین شود. به عبارت دیگر، صادرات غیرنفتی خود ارزی‌بری دارد که نسبت به کالاهای متفاوت فرق دارد. بنابراین، حدود

۹۰ درصد درآمد ارزی کشور به درآمد نفت متکی است. درآمد حاصل از فروش نفت، نه تنها یک درآمد ارزی است، بلکه کل اقتصاد ما وابسته به نفت است. کوچکترین نوسان در قیمت فروش و یا مقدار فروش نفت موجی از دگرگونی‌ها را در وضعیت ارزی کشور ایجاد می‌کند و همه برنامه‌های اقتصادی را بهم می‌ریزد و در بعضی موارد مستقیماً و فوراً روی تولید کارخانجات تأثیر می‌گذارد.

اصل کوشش برای دستیابی به منابع ارزی دیگر و رهایی از اتکاء به نفت هدفی معقول و درخور تمجید است، اما نباید تحقق یافتن این رهایی را آسان تصور

اقتصادی، نیازمندی و احتیاج به یک اقتصاد بیگانه است. مثلاً اگر کشوری به کشور دیگری اتومبیل صادر، و از همان کشور اتومبیل‌های دیگری وارد کرد، این یک ارتباط بازرگانی است. اما اگر کشوری خود اتومبیل نداشت و مجبور بود از یک کشور دیگر خودرو وارد کند تا احتیاجاتش برطرف شود، این وابستگی است.

مثالی دیگر: اگر کشوری ذرت تولید و به کشور دیگر صادر کند و از آن کشور گندم وارد نماید، باز این یک رابطه بازرگانی است و نه یک وابستگی، چون کشور اول قادر است به جای ذرت نیز گندم تولید کند.



اما چون در تولید ذرت دارای مزیت نسبی است، اقدام به تولید این محصول کشاورزی می‌کند.

متأسفانه سیاست‌های نادرست کشاورزی، بخصوص قیمت‌گذاری‌های نامتناسب و بعضاً مغرضانه خریدهای تضمینی که سبب می‌شود دولت به جای کمک به کشاورز ایرانی به کشاورز مثلاً استرالیایی و یا ایرلندی کمک کند، وابستگی را در تعداد زیادی از محصولات کشاورزی تشدید کرده است.

در سال جاری ما باید حتی بیشتر از نصف گندم مورد مصرف خود را وارد کنیم. هر ساله باید حدود هفتصد هزار تن شکر (نصف مصرف داخلی) را از خارج بخریم. تا حدود نود درصد مصرف داخلی روغن نباتی (چه آماده و چه بصورت خام) باید از خارج وارد شود. ذرت و جوی مورد نیاز مرغدارها و دامدارها باید به میزان زیادی وارد شود. تولید داخلی ناچیز است و جوابگوی نیاز نیست. با وجود کاهش زیاد مصرف سرانه گوشت، کره و پنیر به علت کاهش قدرت خرید مردم، دولت هنوز مجبور است مقداری

کرد.

پول نفت بقدری آسان بدست می‌آید و تار و پود اقتصاد کشور چنان با درآمد نفت عجین شده است که تا یک بشکه نفت برای صادرات وجود دارد، این وابستگی شدید هم وجود خواهد داشت و تازه از هم اکنون خیلی از مسئولین به فکر جایگزین کردن صادرات گاز به جای نفت هستند. قرارداد فروش گاز به کشورهای همسایه در چهارچوب این طرز فکر انعقاد یافته است.

### ۴- پیگیری قطع وابستگی‌ها

قطع وابستگی‌ها آرزو، هدف و شعاری بود که از روز اول انقلاب مطرح بود، ولی متأسفانه نه فقط وابستگی‌ها کاهش نیافته، بلکه به نظر می‌رسد که بر میزان وابستگی‌ها افزوده هم شده است. البته باید تصریح کرد که منظور از وابستگی اقتصادی، ارتباط تجاری نیست، زیرا در هر صورت ارتباطات بازرگانی بین اقتصادها وجود دارد. منظور از وابستگی

از این کالاها را وارد کند.

تولید جای داخلی، علاوه بر این که دارای کیفیت بالایی نیست، کفاف حدود هفتاد درصد مصرف را می‌کند. دولت سالانه باید حدود هفتصد تا هشتصد هزار تن برنج از اقصی نقاط دنیا، حتی آمریکا وارد کند تا هم مانع افزایش بهای برنج داخلی شود و هم نیاز مردم را برآورده سازد.

در بخش صنعت وابستگی اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست! علاوه بر این که قسمت اعظم مواد اولیه تابر را برای تولید از خارج وارد می‌کنیم، باید مقادیر زیادی لاستیک هم از چین، ترکیه و سایر کشورها خریداری کنیم تا جوابگوی نیاز داخلی باشیم. بیشتر کاغذ مصرفی کشور را باید از خارج بخریم. حتی لامپهای معمولی را نمی‌توانیم بقدر کافی خود در داخل کشور تولید کنیم و عمدتاً آنها را از کشورهای روسیه، اوکراین یا اندونزی با کیفیت پایین (به علت ارزان بودن) وارد می‌کنیم.

علی‌الاصول با احداث هر کارخانه‌ای وابستگی ما به خارج بیشتر شد، چون این کارخانه‌ها بدون ارتباط از کابینک با یکدیگر در کنار هم ایجاد شدند و بجای این که مواد اولیه، قطعات و لوازم بدکی یکدیگر را تهیه کنند، هر یک مستقیماً به یک یا چند شرکت خارجی

وصول شدند که مواد اولیه، لوازم بدکی و غیره را از آنها می‌خرند. حلقه‌های مفقوده‌ای که در زنجیره تولید هر یک از رشته‌های صنایع وجود دارد، بی‌شمار است و ایجاد این حلقه‌ها اگر در شرایط کنونی غیرممکن نباشد، نیازمند تکنولوژی، سرمایه‌گذارپهای کلان و مرور زمان است.

با این اوصاف لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ بر مبنای هیچ یک از اصولی که در دفاع از آن عنوان شد، قرار نداشته و دستیابی به این اصول به آسانی مقدور و عملی نیست.

### تورم ده درصدی یا...؟!

حال پس از این بررسی مختصر، اثرات بودجه سال آینده را تحلیل کنیم:

بطور خلاصه باید متذکر شد که لایحه بودجه، نوشتن و ذکر کردن ارقام درآمد و هزینه دولت نیست. البته نمایندگان ملت باید هر ریالی را که دولت دریافت و یا هزینه می‌کند، مورد تصویب قرار دهند، اما از نظر اقتصادی هر ریالی که دولت دریافت می‌کند، مساوی با همان ریالی نیست که هزینه می‌کند و هر یک از آنها دارای اثرات متفاوت در اقتصاد ملی است. همچنین لایحه بودجه حساب مالی صرف دولت نیست، بلکه

دولت با ارقام بودجه مستقیماً در بازارهای اقتصادی دخالت می‌کند، قدرت خرید مردم را کاهش یا افزایش می‌دهد، از حرارت بازار کار می‌کاهد و یا به این بازار رونق می‌بخشد و بطور مستقیم یا غیرمستقیم اشتغال را افزایش می‌دهد. با تخصیص اعتبارات کافی به بخش تحقیق و دانشگاهها موجب شکوفایی علم و دانش شده و باعث پیشرفت تحقیق می‌شود، و یا برعکس با کاهش یا حذف این گونه اعتبارات شرایط توقف تحقیق و افول علم و دانش را فراهم می‌آورد. خلاصه بودجه نیرومندترین ابزار سیاست اقتصادی در هر کشوری است که در اختیار دولت قرار دارد و دولت توسط آن می‌تواند وضع بازارها را تنظیم کند و رفاه مردم را فراهم سازد. حال با توجه به قدرت زیاد بودجه بررسی کنیم که مشکلات لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ کدام‌ها هستند.

### الف- تورم‌زائی بودجه

اگرچه دولت اعلام کرده است که نرخ رشد نقدینگی در سال آینده حدود ۱۰ درصد و نرخ تورم کمتر از ۲۰ درصد خواهد بود، معهذایه سخنی می‌توان قبول کرد که نقدینگی در سال آینده فقط ۱۰ درصد رشد کند و بر میزان ۹۳ هزار میلیارد ریال نقدینگی

# TANDOD

# تندود



## تندود ۲ تا شما!

شما را به دیدار از آخرین دستاوردهای خود در فروشگاههای تندود دعوت می‌کنیم.

شماره ۱: ملاصدرا، شیراز جنوبی، شماره ۷۵، تلفن: ۸۰۳۳۰۶۴

شماره ۲: صیرد امام، بین میدان مادر و شریعتی، شماره ۲۹، تلفن: ۲۲۲۳۵۹۸

تندود  
TANDOD

کنونی مبلغی حدود ۱۰ هزار میلیارد ریال دیگر اضافه شود.

چون کل بودجه دولت در سال آینده حدود ۳۵ درصد یعنی رقمی حدود ۶۶ هزار میلیارد ریال رشد خواهد داشت و به زحمت می‌توان آن را از طریق درآمدهای مالیاتی و بدون استغراض از بانک مرکزی تأمین مالی کرد. بنابراین، چنین نرخ افزایشی حداقل تورمی حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد بدنبال خود می‌آورد. با تمام سیاستهای انقباضی که در حال حاضر اجرا می‌شود، طبق آمار بانک مرکزی، ما در هفت ماه اول امسال نسبت به سال قبل ۴۶/۴ درصد تورم داشته‌ایم و اگر گرانی به همین منوال ادامه یابد تا آخر سال تورمی حدود ۴۵ تا ۵۰ درصد حادث خواهد شد.

### باید عدم توجه بودجه به وضعیت کنونی اقتصادی

سیاست تثبیت اقتصادی که از بهار سال ۱۳۷۴ به مرحله اجرا درآمد به همراه تغییر وضعیت پیمان ارزی کالاها و صادراتی از یک سو، و جمع‌آوری نقدینگی در دست مردم چه از طریق افزایش آب‌بها، نرخ مکالمات تلفنی و غیره و یا به وسیله فروش اوراق مشارکت‌های گوناگون سبب رکود غیرقابل تحملی در اقتصاد ملی شده است. صادرات و فروش فرش در خارج راکد شده، قالی بافان کوچک نتوانسته‌اند دو سه تخته قالی خود را به فروش برسانند و تولیدکنندگان بزرگتر دارهای قالی خود را بتدریج جمع می‌کنند، چون ضرر می‌دهند. وضعیت فعالیت در کشاورزی، دامداری و مرغداری نیز بهتر از قالی‌بافی نیست. برای اثبات این وضع سخنان معاون امور دام وزارت جهاد سازندگی را از مصاحبه‌ی مورخ ۳۰ آبان ماه ۱۳۷۵ وی نقل می‌کنیم:

در حال حاضر قیمت تمام شده تولید هر کیلو شیر برای دامداران حداقل ۸۵ تا ۹۰ تومان تمام می‌شود... در حالیکه شرکت سهامی شیر حداکثر ۷۱ تومان برای هر کیلو شیر پرداخت می‌کنند... وی سپس هشدار می‌دهد و توجه سایر مسئولین را به مطلب فوق‌العاده مهم ذیل جلب می‌نماید: در اغلب دامداریها به علت مشکلات نقدینگی و افزایش قیمت علوفه (کاه گندم ۹۵ درصد، کنجاله تخم پنبه ۹۵ درصد، قناله چغندر ۵۴/۲ درصد، جو ۵۱/۳ درصد و سبوس حداقل ۵۰ درصد) وضعیت تغذیه دام مطلوب نیست و در صورت ادامه روند فعلی تعداد زیادی از گردونه تولید خارج می‌شوند... و در نتیجه سرمایه‌گذارها در صنایع تبدیلی نظیر پتیر و غیره به علت کاهش تولید مواد اولیه با مشکل مواجه خواهند شد.

بخش صنعت دارای موقعیت بهتری نیست، اکثر کارخانه‌ها زیر ظرفیت کار می‌کنند و تماماً دچار کمبود نقدینگی هستند. تعدادی از کارخانجات نظیر ایران خودرو و سایپا فقدان نقدینگی خود را از طریق

پیش‌فروش کردن [و اخیراً با فروش اوراق مشارکت بوسیله ایران خودرو] جبران می‌کنند، ولی سایر شرکتها که بازار فروششان چنین گرم نیست از کمبود نقدینگی رنج می‌برند. کارخانجات ریسندگی در سال جاری بندرت توانستند پنبه کشاورزان را به دلیل نداشتن نقدینگی کافی خریداری کنند. اگر کارخانجات تولید رب گوجه‌فرنگی دارای نقدینگی کافی بودند، حداقل مقدار زیادی از گوجه‌فرنگی‌های تولید شده را می‌توانستند بخرند و کشاورزان خسارات کمتری را تحمل کنند.

بودجه یا برنامه مالی سالانه دولت باید قبیل از همه به رفاه مردم که شامل اشتغال، کسب درآمد و رضایت خاطر آنان است توجه کند. سیاست اعتباری دولت نباید آنقدر منقبض شود که جز عده معدودی، کسی نتواند از بانکها وام دریافت کند، حتی وامی اندک، آنهم به خاطر امر خیری نظیر ازدواج!

سیاست اقتصادی دولت باید بطوری توسط نیرومندترین ابزارش (یعنی بودجه) تنظیم گردد که بطور مداوم بر میزان اشتغال افزوده شود و جوانان، چه آن گروه عظیم زیر سطح دیپلم و چه گروه کوچکتری که دیپلمه، لیسانسیه و مهندس هستند با حقوق کافی استخدام شوند و بتوانند تشکیل خانواده دهند.

لایحه بودجه به اشتغال کاری ندارد و اینکه صدها هزار جوان تحصیل کرده بی‌نتیجه به دنبال کار می‌گردند و سربار خانواده خود می‌شوند اهمیت نمی‌دهد. دولت با بودجه سالانه در جزء و برنامه توسعه پنجساله در کل مسئول ایجاد شغل برای مردان و زنان کشور است.

همراه اشتغال مولد باید درآمد کافی ایجاد شود تا شاغلین بتوانند از یک زندگی در خور شأن انسانی بهره‌مند شوند.

### ج- به هدر رفتن منابع محدود

از آغاز برنامه پنجساله سوم رژیم قبل، یعنی قبل از انقلاب، برنامه‌ریزان سازمان برنامه با آموزشها و دوره‌های کوتاه مدتی که در دانشگاه‌ها برقرار دیدند، تحت تأثیر عقاید اقتصادی «روستوه» قرار گرفتند و حامی و مدافع رشد متوازن شدند. اساس این نظریه بر مبنای رشد همزمان و هماهنگ تمام بخشهاست. در کشوری در حال توسعه، بخش درمان باید به همان نسبت آموزش و پرورش و بخش کشاورزی به همان نسبت بخش صنعت رشد یابد. به همان میزانی که جاده‌های احداث می‌شود، به همان میزان هم باید مثلاً معدن کشف و استخراج کزد.

پیروی از این نظریه سبب خواهد شد که منابع مالی تقریباً به نسبت مساوی در بخشهای مختلف اقتصادی توزیع گردد. متأسفانه این طرز تفکر در برنامه‌های پنجساله سوم و چهارم قبل از انقلاب و در برنامه‌های پنجساله اول و دوم بعد انقلاب منعکس شد و بازتاب خود را نیز در بودجه‌های سالانه یافت. نتیجه

رشد متوازن این شده است که حال پس از اجرای حدود بیست و دو سال برنامه‌های پنجساله، کشاورزی ما همانقدر عقب مانده که بخش صنعت از آن نالان است. نه تولیدات کشاورزی کفاف مصرف مردم را می‌کند و نه کالاهای صنعتی! بخش درمان و بهداشت ما دچار همان نارسائی‌هایی است که آموزش عالی کشور بدان مبتلاست. نوسازی در مناطق جنگ‌زده همانقدر شتاب دارد که شاهد آن در مناطق محروم هستیم.

به این مشکل رشد متوازن یک مسأله دیگر نیز اضافه شد و آن اینکه در هر بخش و قسمت به جای این که پس از پایان یافتن یک پروژه عمرانی طرح دیگری شروع شود، همزمان اجرای چندین پروژه عمرانی آغاز شد و لذا با منابع اندکی که در دست است اکثر این پروژه‌ها ناتمام مانده است. در حال حاضر ۹۸ بیمارستان بزرگ و کوچک در دست ساختمان (ناتمام) وجود دارد. در حال حاضر حدود ۵۰ سد بزرگ و کوچک در دست احداث (ناتمام) وجود دارد و بیش از ۷۰ سد در دست مطالعه است. بیش از ده کارخانه سیمان در دست احداث است. ساخت بعضی از آنها بیش یک دهه به طول انجامیده است. جمعاً حدود ۲۹ هزار پروژه کوچک و بزرگ ملی و استانی در سراسر کشور ناتمام مانده است. گردش در هر یک از شهرکهای صنعتی وضع اسفبار پروژه‌های ناتمام را که هر یک به علتی متوقف شده است، نشان می‌دهد. اینها، سرمایه‌های این کشور است که به هدر می‌رود. برای جلوگیری از به هدر رفتن منابع اندک کشور دولت اول باید پروژه مربوط به خود را در اسرع وقت به اتمام رساند و سپس تسهیلاتی فراهم کند تا بخش خصوصی نیز طرحهای خود را به پایان برد.

### د- مشکل سوپسیدها

در سال آینده دولت قصد دارد مبلغ ۶۰۸۸ میلیارد ریال صرف سوپسید کالاهای اساسی کند. البته پرداخت یارانه برای کمک به فشرهای بادارآمد کم ضروری است، مبلغی را که دولت در سال آینده به پرداخت سوپسید اختصاص داده، اندک نیست. حدود ۷/۵ درصد کل بودجه عمومی (۸۱۲۸۶ میلیارد ریال)، و دو برابر هزینه‌های درمان و بهداشت و یارانه و تریاژی است.

از آنجا که سوپسید در کشور ما به کالاهای مصرفی کشاورزی پرداخت می‌شود و تمام مصرف‌کنندگان و خریداران، حال چه غنی و چه فقیر، از آن مستفیض می‌شوند، در عمل یک نوع بی‌عدالتی است.

دولت باید سعی کند همچون کشورهای اروپایی سوپسید را به کشاورزان یا تولیدکنندگان محصولات کشاورزی بپردازد تا هم کشاورزان، دامداران و مرغداران و دیگران از نوسانات قیمتها زیان نبینند و هم قیمت محصولات کشاورزی بالا نیفتد. □